۱۷



ماهنامه دینی، اجتماعی و حقوقی اهل سنت

سال دوم / شماره هفدهم / مرداد ۱۳۹۶

در این شماره می خوانید:

ربیعی از تولد تا شهادت

مذهب تکفیر (معنا و مفهوم مومن از نگاه شیعه)

بسم الله الرحمن الرحیم

نشریه راوی

اولین نشریه مستقل اهل سنت

راوی

ماهنامه دینی، اجتماعی و حقوقی اهل سنت

سال دوم - شماره هفدهم - مرداد ۱۳۹۶

شوال - ذوالقعده - ۱۴۳۸

July - August 2017

مدیر مسئول: ابراهیم احراری خلف

سردبیر: عیسی طاهری

هیئت تحریریه :

ابراهیم احراری خلف

سعود عباسی

مهدی نخل احمدی

عامر عالی

حبیب اللّه سربازی

انعام دهواری

عیسی طاهری

ویراستار: گروه ویراستاری راوی

طرح و گرافیک: راوی



فهرست



سخن حکیمانه

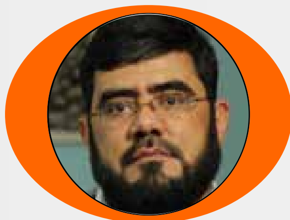


عَنِ
النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، قَالَ :
«ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ ، مَنْ كَانَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا ، وَمَنْ أَحَبَّ عَبْدًا لَا يُحِبُّهُ إِلَّا لِلَّهِ ، وَمَنْ يَكْرَهُ أَنْ يَعُودَ فِي الْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْقَذَهُ اللَّهُ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ».

رسول خدا -صلی الله علیه سلم- فرمود: کسی که سه خصلت در او باشد حلاوت و شیرینی ایمان را چشیده است. ۱- کسی که خدا و رسولش را از دیگران بیشتر دوست بدارد. ۲- کسی که با دیگران بخاطر خدا محبت کند. ۳- کسی که از کفر و بی‌دینی به همان اندازه بیزاری و دوری نماید که از داخل شدن به آتش پرهیز می‌کند.

مذهب تکفیر

قسمت ششم



عیسی طاهری

معنا و مفهوم مومن از نگاه شیعه

مومن کیست؟!!!

مومن کیست و چه ویژگی ها و نشانه هایی دارد؟!

آیا هر مسلمانی را می توان مومن نامید؟!

علمای شیعه چه کسی را در تعریف مومن داخل می دانند.

آیا اهل سنت (از نگاه شیعه) در تعریف مومن داخل است و یا خیر؟

و آیا اهل سنت را که برادر خود خطاب می کنند مومن می پندارند؟!!!

پاسخ این پرسش از لابلای کتاب های مرجع عقیدتی، فقهی و حدیثی شیعه به منادیان وحدت و تقریب شیعه و سنی تقدیم می شود. که از دیدگاه شیعه؛ سنی کیست و چه ارزشی دارد و آیا سنی (اهل سنت) را می توان مومن نامید و یا خیر!

سوالاتی که علمای شیعه در مجامع عمومی و جلسه های وحدت شیعه و سنی به آن نپرداخته و نخواهند پرداخت و اگر در معرض چنین سوالی قرار گیرند ناچار به فرار از پاسخ آن خواهند بود. و با برچسب های واهی چون تفرقه بین صفوف شیعه و سنی و جواب های این چنینی از پاسخ به چنین سوالی شانه خالی خواهند کرد.

در این مقاله کوتاه به معنا و مفهوم مومن، از نگاه شیعه خواهم پرداخت که اهل سنت در کدام صف قرار دارد. آیا اهل سنت در صف مومن قرار دارند یا در صف ...!

آراء و دیدگاه مراجع تقلید، علمای شیعه بیانگر واقعیتی است که انکار آن بسیار دشوار است، با این وجود اسکلت برادری شیعه و سنی در قالب وحدت فرو خواهد ریخت.

در حقیقت علمای شیعه از بدو پیدایش مذهب تا کنون اصطلاح مومن را مختص شیعه اثناعشری دانسته اند و کسی که منکر امامت یکی از امامان دوازده گانه؛ و یا امامت فرد دیگری غیر از دوازده امام را قایل باشد آن فرد را مومن نمی نامند و هر کس خلاف عقیده آنان را نیز دارا باشد او را از دایره و محدوده مومن خارج می دانند.

> **در حقیقت علمای شیعه از بدو پیدایش مذهب تا کنون اصطلاح مومن را مختص شیعه اثناعشری دانسته اند و کسی که منکر امامت یکی از امامان دوازده گانه؛ و یا امامت فرد دیگری غیر از دوازده امام را قایل باشد آن فرد را مومن نمی نامند**

از نگاه مذهب و علمای

شیعه تعریف مومن چنین است:

محمد عاملی در مساله نماز جنازه در تعریف مومن می نویسد: «المؤمن وهو المسلم الذي يعتقد إمامة الأئمة الاثني عشر عليهم السلام».[۱]

مومن، مسلمانی است که به امامت امامان دوازده گانه باور داشته باشد.

یوسف بحرانی نیز اهل سنت را از تعریف مومن خارج می داند و آن را در شیعه دوازده امامی خلاصه می کند وی می نویسد: «المؤمن وهو المسلم المعتقد لإمامة الأئمة الاثني عشر».

مومن، مسلمانی است که به امامت دوازده امام باور و اعتقاد داشته باشد.

حسن نجفی (۱۲۰۲-۱۲۶۶ قمری) در صفات و ویژگی های قاضی، اهل سنت را از تعریف مومن خارج می داند وی می نویسد: «(وكذا) غير المؤمن الذي هو كافر في الجملة أيضا، لما تواترت النصوص في النهي عن المرافعة إلى قضاتهم (۱) بل هو من ضروريات مذهبنا.».[۳]

(نیز) غیر مومنی که در جمله کافران به حساب می آید [قضاوت وی پذیرفته نمی شود]، زیرا نصوص متواتر در عدم دادخواهی از قاضیان مخالفان (اهل سنت) است و این از ضروریات مذهب شیعه به شمار می رود.

نجفی در این تعریف اهل سنت را از دایره و محدوده مومن خارج می سازد و این را از ضروریات مذهب شیعه می داند.

حسن نجفی در بخشی دیگر از کتاب مشهور خود مومن را اینگونه تعریف می کند: «كما أنه لا إشكال في وجوب غسل المؤمن أي الإمامي المعتقد لإمامة الأئمة اثني عشر -عليهم السلام-».[۴]

یوسف بحرانی:
مومن، مسلمانی است
که به امامت دوازده
امام باور و اعتقاد
داشته باشد.

هیچ ایرادی در غسل (شستن) میت مومن [فرد امامی که به امامت دوازده گانه امامان باور داشته باشد] نیست.

حسن نجفی نیز مومن را در شیعه دوازده امامی محدود کرده و اهل سنت را از دایره و محدوده ایمان بیرون می داند.

احمد خوانساری از مراجع بنام جهان تشیع، ایمان را از شرایط قاضی می داند و در تعریف ایمان اینگونه می نگارد: «ومن الشروط الإيمان بمعنى كونه اثني عشريا».[۵]

از شرایط ایمان یعنی اینکه قاضی شیعه دوازده امامی باشد.

ابو القاسم خویی، تعریف مومن از نگاه شیعه و اهل سنت را متفاوت می داند وی در این باره می نویسد: «المراد هنا من المؤمن في رواياتنا غير ما هو المراد في روايات العامة، ومن هنا منعوا عن سب أبي حنيفة وأشباهه.».[۶]

مراد از مومن در روایات ما (شیعه) غیر از مومن از نگاه عامه (اهل سنت) است زیرا

آنان دشنام به (امام) ابوحنیفه (رضی الله عنه) و دیگر بزرگان دینی خود را ممنوع قرار داده اند.

تعریف مومن از دیدگاه خویی متفاوت با تعریفی است که اهل سنت از آن دارند، شیعه ابوحنیفه و دیگر علما و بزرگان دینی اهل سنت را مومن نمی داند و به همین خاطر می گوید: آنان (اهل سنت) فحاشی به ابوحنیفه را ممنوع می دانند در حالی که مذهب و باور شیعه چنین نیست بلکه فحاشی و دشنام به ابوحنیفه و دیگر بزرگان دینی اهل سنت را جواز و حتی فراتر از آن یک نوع عبادتی تلقی می کنند.

خویی در جایی دیگر پرده از تعریف مومن برداشته و تفاوت را مشخص نموده و می نویسد: «أن المراد بالمؤمن هو القائل بإمرة الأئمة الاثني عشر (عليهم السلام)، وكونهم مفترضي الطاعة،» [۷]

مراد از مومن کسی است که به امامت دوازده گانه امامان قایل باشد و آنان را مفترض الطاعه بداند.

با این تعریف هیچ یک از فرقه ها و مذاهب اهل سنت پیروی از دستورات هیچ یک از این امامان شیعه را واجب نمی دانند. و امامت آنان را نیز خدایی نمی پندارند.

خویی نیز در جایی دیگر نیز، مومن را واضح تر و شفاف تر بیان نموده است وی می نویسد:

« أقول: المراد من المؤمن هنا من آمن بالله وبرسوله وبالمعاد وبالأئمة الاثني عشر (عليهم السلام)، أولهم علي بن أبي طالب (عليه السلام) وآخرهم القائم الحجة المنتظر عجل الله فرجه». [۸]

می گویم (خویی): در اینجا مراد از مومن کسی است که به خدا، پیامبر، قیامت و امامان دوازده گانه که اولین آنان علی بن ابی طالب و آخری شان امام زمان است ایمان داشته باشد.

خویی: مراد از مومن کسی است که به امامت دوازده گانه امامان قایل باشد و آنان را مفترض الطاعه بداند. می گویم (خویی): در اینجا مراد از مومن کسی است که به خدا، پیامبر، قیامت و امامان دوازده گانه که اولین آنان علی بن ابی طاب و آخری شان امام زمان است ایمان داشته باشد.

با این حال، از نگاه شیعه اهل سنت را نمی توان مومن نامید.

خویی در مساله غیبت به نحوی اهل سنت را از دایره مومن خارج می داند وی می نویسد: « إن المستفاد من الآية والروايات هو تحريم غيبة الأخ المؤمن، ومن البديهي أنه لا إخوة ولا عصمة بيننا وبين المخالفين،» [۹]

با برداشت از آیات قرآن و روایات اهل بیت، حرمت غیبت برادر مومن ثابت می شود و بدیهی است که هیچ گونه اخوت و برادری و مصونیتی میان ما (شیعه) و مخالفین (اهل سنت) نیست.

خویی علاوه بر خارج دانستن اهل سنت از دایره ایمان، برادری شیعه و سنی را نفی می کند و با استناد از آیات و رویات اهل بیت، برادری شیعه

و سنی را مردود می داند.

شیخ مفید نیز اهل سنت را از تعریف مومن و اهل ایمان خارج می پندارد وی در مساله نماز جنازه، مومن را اینگونه تعریف می کند: « ولا يجوز لأحد من أهل الإيمان أن يغسل مخالفا للحق في الولاء، [الولاية]».(۱۰)

سید عبدالحسین دستغیب شیرازی : «باید دانست که حرمت غیبت، مختص به مومن است. یعنی کسی که معتقد به عقائد حقه باشد، و از آن جمله اعتقاد به امامت ائمه اثناعشر علیهم السلام است. بنابراین غیبت مخالفین، حرام نیست.»

برای اهل ایمان (مومن) جایز نیست که مخالف حق در ولایت اهل بیت (اهل سنت) را غسل دهند. شیخ مفید در این بیان، اهل سنت را از مومن جدا دانسته است. به تعبیر واضح تر به هیچ صورت مخالف (اهل سنت) در تعریف مومن داخل نیست.

سید عبدالحسین دستغیب شیرازی (۱۲۹۲-۱۳۶۰ خورشیدی) از علمای شیعی معاصر ایران و ملقب به سومین شهید محراب در باب غیبت می نگارد: « **باید دانست که حرمت غیبت، مختص به مومن است. یعنی کسی که معتقد به عقائد حقه باشد، و از آن جمله اعتقاد به امامت ائمه اثناعشر علیهم السلام است. بنابراین غیبت مخالفین، حرام نیست.**»(۱۱)

وی با نگارش فارسی، مومن را تعریف کرده که اعتقاد و باور به امامت دوازده شخص، انسان را در دایره ایمان داخل می کند و با عدم باور به چنین اعتقادی، فردی را نمی توان مومن نامید.

یوسف بحرانی به نقل از **قاضی نور الله شوشتری** منکر امامت را از تعریف مومن خارج می داند وی می نویسد: «ولا شك أن المنكر لشئ من ذلك ليس بمؤمن ولا مسلم» .(۱۲)

هیچ شکی نیست که منکر یکی از این موارد (معاد و امامت) نه مسلمان است و نه مومن.

صادق شیرازی منکر امامت امامان دوازده گانه را فاسق و خارج از محدوده ایمان می داند وی می نویسد: «فلا تقبل شهادة غير المؤمن لاتصافه (بالفسق) بهذه المعصية العظيمة وهي انكار امامة الأئمة الهداة عليهم السلام الذين نصبهم الله تعالي لهداية الامة».(۱۳)

بنابر این گواهی غیر مومن پذیرفته نمی شود زیرا وی (غیر مومن) دچار فسق یعنی انکار امامت امامان شده؛ که خداوند متعال آنان را برای هدایت امت تعیین نموده است.

صادق شیرازی قول صاحب مسالک را در واژه «مومن» به شیعه بودن و باور داشتن به امامت امامان تفسیر کرده است. با این وجود اهل سنت از تعریف مومن خارج می شوند زیرا آنان به امامت امامان دوازده گانه شیعه هیچ باور و اعتقادی ندارند.

باقر مجلسی داستان اسلام آوردن مرد شامی (اهل سنت) در محضر امام صادق

را نقل می کند: « في خبر الشامي الذي سأل أبا عبد الله عليه السلام مسائل فأجابه فقال الشامي: أسلمت لله، فقال عليه السلام له: بل آمنت بالله الساعة، إن الاسلام قبل الايمان، وعليه يتوارثون ويتناكحون، والايمان عليه يثابون)».[۱۴]

در داستان مرد شامی (اهل شام) که از امام صادق سوالاتی را پرسید و امام به او جواب داد. مرد شامی گفت: اسلام آوردم، امام فرمود: بگو اکنون ایمان آوردم، زیرا تو قبل از این بر اسلام بودی و اسلام قبل از ایمان است. و بر آن (اسلام) ارث و نکاح صورت می گیرد و بر ایمان ثواب اخروی حاصل می شود.

باقر مجلسی در توضیح «آمنت» چنین می نویسد: «بيان : (بل آمنت) أي كنت قبل ذلك مسلما لأنه كان من المخالفين ، فلما أقر بالإئمة –عليهم السلام– صار من المؤمنين».[۱۵]

وقتی که مرد شامی **«آمنت»** ایمان آوردم را به زبان آورد به معنای این است که وی قبل از این مسلمان بوده زیرا او پیش از این از مخالفین (اهل سنت) بوده و با اقرار به امامت امامان، از مومنان گشت.

مجلسی با استدلال به روایتی از امام صادق، که مخالفین (اهل سنت) در سلک مومنان نیستند، داستان مردی شامی را روایت می کند که بعد از شیعه شدن، به دستور امام صادق «آمنت» را به زبان آورد. زیرا اهل سنت فقط مسلمان ظاهری هستند. با این حال مجلسی نیز اهل سنت را از دایره و محدوده مومن، خارج می داند و کسی که اعتقاد و باور به امامان دوازده گانه نداشته باشد از دیدگاه وی مومن نیست.

خویی در استفتائاتی که در مورد مومن از او پرسیده شده می گوید: «سؤال ۱۳۷۵ : لقب المؤمن خاص لشيعة أهل البيت عليهم السلام– هل يقال للشيعي مؤمن حتى لو ترك الواجبات ، كالصلاة مثلا ؟ الخوئي : نعم يقال له مؤمن:».[۱۶]

خویی در پاسخ به استفتای مذکور که پرسیده «مومن» لقب خصوصی شیعیان است. هیچ عکس العملی نشان نداده که غیر از شیعیان نیز مومن هستند. و با تایید بر سخنان پرسش گر (مستفتی) بدون هیچ اعتراضی بر واژه مومن که خاص شیعیان است به سوال او با کلمه «آری» پاسخ داده است.

خویی در جواب استفتایی دیگر، فقط شیعه را مومن داند، وی می نویسد: « سؤال ۱۲۲۰: هل يجوز لعن شارب الخمر المتجاهر حتى لو كان مواليا ؟ الخوئي : لا يجوز لعن من هو مؤمن».[۱۷]

خویی به صراحت غیر شیعیان را از دایره مومن خارج می سازد. او بر این باور است اگر شیعه بزرگترین گناهان را انجام دهد مومن است و غیر شیعی به هیچ صورت نمی تواند مومن باشد.

صادق روحانی ایمان را از شرایط قاضی می داند و مخالف (اهل سنت) را از تعریف مومن خارج نموده وی اینگونه می نویسد: « ان يكون مومنا فلا ينفذ قضاء الكافر ولا المخالف ويشهد به اجماع

الامة».[۱۸]

این که (قاضی) مومن باشد بنابراین قضاوت کافر و مخالف (اهل سنت) به هیچ صورت اجرا نمی شود و اجماع علمای شیعه بر این شهادت داده اند.

صادق روحانی از مراجع کنونی شیعه نیز باور خود به اهل سنت را اینگونه ابراز می دارد و آنان را بی مهابا از تعریف مومن خارج می پندارد. و این روش رجال شیعه از دیرباز با اهل سنت بوده و هنوز ادامه دارد.

سید علی سیستانی نیز اهل سنت را مومن نمی داند وی در مساله (۱۱) در تعریف ایمان می نویسد: «رابعا : الإيمان بمعنى كونه اثنا عشرا».[۱۹]

چهارم: ایمان است به معنای اینکه شیعه دوازده امامی باشد.

سیستانی از علمای سنی ستیز درجه یک و در ظاهر خواهان دوستی با اهل سنت است که در عراق فتوای قتل عام اهل سنت را صادر نمود اهل سنت با نام های داعشی، وهابی و تکفیری توسط حشد شعبی قتل عام شد.

سیستانی از علمای سنی ستیز درجه یک و در ظاهر خواهان دوستی با اهل سنت است که در عراق فتوای قتل عام اهل سنت را صادر نمود اهل سنت با نام های داعشی، وهابی و تکفیری توسط حشد شعبی قتل عام شد.

محمد جواد عاملی قول اجماعی علمای شیعه را در این مورد نقل کرده می نویسد: «إذ لا خلاف بين الأصحاب في أن من إعتقد معتقد الشيعة الإمامية مؤمن ، يعلم ذلك من كلامهم في الزكاة والنكاح والكفارات».[۲۰]

هیچ اختلاف نظری میان علمای شیعه نیست کسی که معتقد به عقاید شیعه دوازده امامی باشد را مومن می دانند و این نظریه در سخنان آنها در مسایل زکات، نکاح و کفارات بروز نموده ا ست .

مرتضی انصاری دزفولی معروف به شیخ انصاری ملقب به خاتم الفقهاء و المجتهدین از فقیهان و مراجع بزرگ شیعه در قرن سیزدهم قمری، وی حرمت غیبت را مختص مومن (شیعه) می داند و بر جواز غیبت مخالف (اهل سنت) بخاطر عدم ایمان آنها فتوا داده است وی چنین می نویسد: «ثم إن ظاهر الأخبار اختصاص حرمة الغيبة بالمؤمن، فيجوز اغتياب المخالف، كما يجوز لعنه».[۲۱]

ظاهر روایات اهل بیت بر حرمت غیبت مومن دلالت دارد بنابر این غیبت مخالف (اهل سنت) جایز است آنگونه که لعن وی جواز دارد.

مرتضی انصاری از فقهای معروف و بنام تشیع که علمای معاصر شیعه بر فقاهت او می نازند و در بسیاری در درس های خود از استدلال های وی استفاده می کنند و وی را مرجعیتی تمام عیار قبول دارند او نیز همانند گذشتگان خود اهل سنت را مومن نمی داند و خود را مقید به قاعده اصولی شیعه می داند تا اهل سنت را مومن ندانند. قاعده ای که اساس و پایه آن بر مساله امامت امامان دوازده گانه پایه

گـذاری شـده اسـت.

یوسـف بحرانـی در جایـی دیگـر نظـر خـود بـا برداشـت از روایـات اهـل بیـت بـه تعریـف مومـن مـی پـردازد: «والذي دلت عليه الأخبار كما تقدمت الإشارة أن الإيمان لا يصدق على غير الإمامية».[22]

آنچـه روایـات اهـل بیـت بـر آن دلالـت دارد ایـن اسـت کـه ایمـان بـر غیـر شـیعه دوازده امامـی بـه هیـچ وجـه صـادق نمـی آیـد.

یوسـف بحرانـی نیـز برداشـت خـود از روایـات شـیعه را ایـن چنیـن بـه تصویـر مـی کشـد کـه امامـان معصوم آنـان اهـل سـنت را مومـن نمـی دانسـتند.

بـا ایـن وجـود علمـای شـیعه از بـدو پیدایـش تـا کنـون برداشـت آنـان از روایـات امامـان ایـن بـوده کـه اهـل سـنت ایمـان نداشـته و از اهـل ایمـان بـه شـمار نمـی رونـد. آنـان را مخالـف و یـا در برخـی روایـات ناصبـی و حتـی منافـق و کافـر نیـز خطـاب کـرده انـد.

روح الله خمینـی، اهـل سـنت را از تعریـف مومـن بیـرون مـی دانـد وی در بـاب غیبـت مـی نویسـد: «ثم إن الظاهر اختصاص الحرمة بغيبة المؤمن ، فيجوز اغتياب المخالف».[23]

ظاهـر روایـات اهـل بیـت بـر حرمـت غیبـت مومـن دلالـت دارد بنابـر ایـن غیبـت مخالـف (اهل سـنت) جایـز اسـت.

روح الله خمینـی نیـز مومـن را در چهارچـوب شـیعه محـدود مـی دانـد و در تعریـف آن مـی نویسـد: «المراد بالمؤمن : الشيعة الإمامية الإثني عشرية».[24]

مـراد از مومـن، شـیعه امامـی اثنـا عشـری اسـت.

خمینـی بنیـان گـذار جمهـوری اسـلامی و از سـردمداران وحـدت شـیعه و سـنی، نیـز اهـل سـنت را مومـن نمـی دانـد بـا آنکـه خـود در بسـیاری از سـخنانش اهـل سـنت را برادر خطـاب مـی کنـد. وی در مسـایل مذهبـی اهـل سـنت را از لیسـت بـرادری حـذف نمـوده اسـت. خمینـی در دیـدگاه سیاسـی خـود اهـل سـنت را بـرادر خطاب مـی کنـد امـا در دیـدگاه دینـی و مذهبـی وقتـی سـخن از اهـل سـنت بـه میـان مـی آیـد آنـان را از لیسـت مومـن کنـار مـی زنـد و بـه روش بـزرگان دینـی خـود ادامـه مـی دهـد. (در بحـث بـرادری و اخـوت شـیعه و اهـل سـنت بـه ایـن مسـاله بهتـر خواهـم پرداخـت.)

روح اللّه خمینی:
ظاهر روایات اهل بیت بر حرمت غیبت مومن دلالت دارد بنابر این غیبت مخالف (اهل سنت) جایز است.

سـروصدای وحـدت فریبانـه امـروز، یـک مسـاله سیاسـی منافقانـه اسـت و بـس و هیـچ اثـر مثبتـی بـرای اهـل سـنت نـه از نـگاه سیاسـی، و نـه اجتماعـی و نـه فرهنگـی نداشـته و نخواهـد داشـت. و اگـر شـیعه بـه دور از ایـن نـوع سیاسـت بتوانـد بـه آرمـان هـای مخفـی خـود دسـت پیـدا کنـد. یقینـا راه و روش آبـا و اجـداد خویـش صفویـت و نصیـر طوسـی را پـی خواهـد گرفـت و هماننـد آنـان کـه خلافـت عثمانـی را بـا خـاک و خـون یکسـان نمودنـد فرزنـدان ناخلـف آنـان نیـز همـان منـوال را پیـش خواهنـد گرفـت و بـه نابـودی اهـل سـنت ایـران زمیـن کمـر خواهنـد بسـت و بـی مهابـا بـه قتـل و کشـتار آنـان بـا نـام وهابیـت، نواصب، و

داعش و مارک های بی شماری اقدام خواهند نمود؛ اگر چه امروزه اهل سنت از سنی ستیزی در امان نیست و هر روز و هر ماه اخبار سنی سیتزی در ایران به گوش می رسد...

با این حال به هیچ صورت، هیچ یک از علمای شیعه چه اصولی و چه اخباری چه منادی وحدت و چه سنی ستیز، در تعریف مومن، اهل سنت را داخل نمی دانند. و همین تعابیر باعث می شود تا باب تکفیر باز شود.

در مساله اخوت و برادری با اهل سنت به این مساله اشاره واضح تری خواهم داشت.

ادامه دارد...

پانویس:

(۱) (۱۰) روح الله خمینی، المکاسب المحرمه ج ۱ ص ۳۷۷، ناشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم: ۱۳۸۱ خورشیدی.

(۲) یوسف بحرانی، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره ج ۱۰ ص ۳۵۹، بیروت: دار الاضواء، چاپ دوم: ۱۴۰۵ قمری.

(۳) محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام ج ۴۰ ص ۱۲ و ۱۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم: ۱۹۸۱ میلادی.

(۴) حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام ج ۴ ص ۸۰، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم: ۱۹۸۱ میلادی.

(۵) احمد خوانساری، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع ج ۶ ص ۴، قم: اسماعیلیان، چاپ دوم: ۱۳۶۴ خورشیدی.

(۶) ابوالقاسم خویی، مصباح الفقاهه ج ۱ ص ۲۷۹، قم: نشر انصاریان، چاپ چهارم: ۱۴۱۷ قمری.

(۷) همان ص ۴۵۷.

(۸) همان ص ۳۲۳.

(۹)همان ص ۳۲۴.

(۱۰) شیخ مفید، المقنعه ص ۸۵، بیروت: دار المفید، چاپ دوم: ۱۴۱۴ قمری.

(۱۱) عبدالحسین دستغیب، گناهان کبیره ج ۲ ص ۲۷۶، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هجدهم: ۱۳۸۳ خورشیدی.

(۱۲) یوسف بحرانی، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره ج ۵ ص ۱۷۶، بیروت: دار الاضواء، چاپ دوم ۱۴۰۵ قمری.

(۱۳) محقق حلی، شرائع الاسلام فی مسائل الحلام والحرام ج ۴ ص ۳۷۱، بیروت: دارالقاری، چاپ یازدهم: ۱۴۲۵ قمری.

(۱۴) باقر مجلسی، بحار الانوار ج ۶۸ ص ۲۶۴، بیروت: موسسه الوفاء، چاپ سوم ۱۴۰۳ قمری.

(۱۵) همان.

(۱۶) ابوالقاسم خویی، صراط النجاه فی اجوبه الاستفتائات ج ۲ ص ۴۳۸، قم: دار الاعتصام، چاپ اول: ۱۴۱۷ قمری.

(۱۷) همان ص ۴۴۲

(۱۸) صادق روحانی، فقه الصادق ج ۳۸ ص ۲۱، قم: منشورات اجتهاد، چاپ چهارم: ۱۴۲۹ قمری.

(۱۹) سید علی سیستانی، المسائل المنتخبه ص ۱۳، قم: دفتر آیت الله سیستانی، چاپ نهم ۱۴۲۲ قمری

(۲۰) محمد جواد عاملی، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه ج ۴ ص ۱۸۲، قم: موسسه نشر اسلامی، چاپ اول: ۱۴۱۹ قمری.

(۲۱) مرتضی انصاری، کتاب المکاسب ج ۱ ص ۳۱۹، قم، چاپ سوم ۱۳۷۸ خورشیدی.

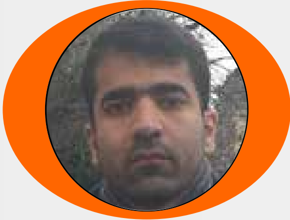
(۲۲) یوسف بحرانی، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره ج ۲۲ ص ۲۰۴، بیروت: دارالاضواء، چاپ دوم ۱۴۰۵ قمری.

(۲۳) روح الله خمینی، المکاسب المحرمه ج ۱ ص ۳۷۶، ناشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم: ۱۳۸۱ خورشیدی.

(۲۴) همان ص ۳۷۸،

ربیعی از تولد تا شهادت

قسمت هشتم



احسان فتاحی

قال الله تعالی: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُم مَّن قَضَى نَحْبَهُ وَ مِنْهُم مَّن يَنتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» (أحزاب/۲۳) در میان مؤمنان مردانی هستند که با خدا راست بوده اند در پیمانی که با او بسته اند. برخی پیمان خود را بسر برده اند (و شربت شهادت سر کشیده اند) و برخی نیز در انتظارند (تا کی توفیق رفیق می گردد و جان را به جان آفرین تسلیم خواهند کرد). آنان هیچگونه تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود نداده اند (و کمترین انحراف و تزلزلی در کار خود پیدا نکرده اند.)

جملاتی زیبا از سر آغاز دفتر خاطرات استاد محمّد ربیعی ۱۳۲۸

درود و سلام بر روان پیغمبران سفراء الهی و راهنمایان بشر بطریق سعادت و بهتر زیستن و بالاخص درود بر حضرت خاتم انبیاء محمد المصطفی که آخرین سفیر الهی به سوی خلق است و ناجی عالم بشریت از امواج بیم آور دریای کفر و خود پرستی و رهبر مردم به جانب برادری و برابری و احترام به حقوق و مساوات و عدل و پاکی و راستی و درستی و شجاعت و امانت و سایر صفات مبروحه و محموده و سلام بر خاندان و یاران گرامی و سلاله طاهره آن حضرت که هر یک نمونه ای از صفات خجسته و اخلاق حمیده و وارسته می باشند. دوستان و خوانندگان گرامی در هر کاری که شروع می شود هدف و نتیجه ای باید در نظر گرفته شود. هدف اصلی من مجسم ساختن نحوه زندگیم و چگونگی گفتار و رفتارم و از اینکه در خلال چند سال گذشتن از عمر عزیز چه کرده ام و چطور زیسته ام و در قبال این گوهر های تابناک روزهای زندگی چه نتیجه ای را گرفته و چه اثری در اجتماع از خود بجا گذاشته ام مفاخر زندگی معائب سلوک و خوشیها و تلخیها و ناکامی ها و مقاومت در برابر مصائب و تصادف در برابر ناملایمات روزگار و همچنین برخورد با اشخاص با در نظر گرفتن اختلاف عقاید و افکار آنان مرا درس عبرتی باشد و خود را گم نکنم که چه بودم و از کجا آمده ام ردپای خود را یافته و دنبال سیر زندگی خود را گرفته ام تا ببینم همانند کودکی که از سرپرست خود گم شده یا غریبی که اصلا چاه و راه را از هم بازنشناخته به کجا رفته و آهنگ کدام مقصد را دارم. کدام صراط را در بر گرفته ام؟ همان صراط مستقیم که به هنگام نماز آن را نام می بریم و سلوک در آن را از خداوند بزرگ می خواهیم که در حقیقت به معنی بازشناختن چاه از

راه است. یا صراط معوج و بیراهی زندگی جاهلانه که چیزی جز ارضای شهوات و پرورش احساسات غیر انسانی نیست.این هدف و انگیزه اصلی من بود و در ضمن آن برای بازماندگان مخلص این خود یک اثری است در تاریخ که با ایشان ارتباط دارد البته نه از این نظر که من دارای مفاخر زیادی در زندگی بوده ام و نسل آینده از روی آن به تعداد حسب بپردازند بلکه پدیده عبرت به زندگی نیاکان خود بنگرند و اصل و نسب خود را بشناسند زیرا با بسیاری از مردم برخورد کرده ام که اسم جد پدری یا مادری خود را ندانسته اند چه برسد به شرح حال آنان و نیز از نظر گذراندن خاطرات زندگی ولو اینکه خاطرات تلخی هم باشد به ذوق من بسیار لذت بخش است. چرا در حقیقت سرگذشت و وقایع زندگی هرکس آیینه زندگی و چهره از دست رفته عمر عزیز اوست. قدمگاه ایام گذشته و صحنه زندگی اوست. چنانکه ما هرگاه به دیدن زادگاه و مولد و مدفن خود و به نیاکان خود راه می یابیم شاد می شویم همچنان که باید به مکان توجه بشود نسبت به زمان نیز باید توجه شود زیرا مکان چهرهای مادی را در برمی گرفته و پرورش می داده است اما زمان حقایق و معنویات را. این دربرگیرنده حقایق و وقایع را تاریخ و نفس رویدادها را وقایع تاریخی یا سرگذشت می نامیم. و اما نتیجه و فایده این نوشته ها رسیدگی به گذشته و تجدید نظر در مواردی که مستلزم تغییر و تبدیل هستند مگر پس از مرور زمان ، از خواب غفلت بیدار شویم. و پنج روزی را که شیخ سعدی نویسنده بزرگ ایران فرموده اند دریابیم، دیگر نمی دانم این استدلال مورد قبول شما خواهد بود یا نه. به هرحال باید متذکر شوم که نسلهای آینده ممکن است به اقتضای زمان خود این قبیل نوشته ها را با پوزخند و تمسخر بنگرند که مرحوم فلان وقت خود را صرف اینگونه اساطیر و اباطیل کرده است باید گفت در فرصتهای که تنها می نشسته ام مقداری را از این سرگذشت به رشته تحریر درآورده و فقط در غیر مواقع کار و مطالعه ، نوشتن خاطرات گذشته را تفریح و سرگرمی خود قرار داده ام و از جهت دیگر این خود بهترین موفقیتی است که شخص به گذشته خود پند بگیرد و در آینده دقت نماید زیرا همین نوع تفکر و تدبر است که شخص را به راه راست زندگی هدایت می کند. استردادا" در بعضی موارد نیز به چگونگی زندگی اجتماعی در محیطی که در آن می زیسته ام اشاره می کنم و قسمتی از اوضاع منطقه را که شاید به اقتضای زمان آینده ضرورت خواهد داشت یادداشت و از نظر خوانندگان می گذرانم امیدوارم دوستان صدیق بر جمیع مارب موفق و محورها بر مدارج عالیات ارتقاء یابند و سعادت عموم را از خداوند بزرگ خواستارم.

جملاتی زیبا از سرآغاز دفتر خاطرات استاد ربیعی- ۱۳۴۲

اکنون که آفتاب به تازگی از مطلع طلوع کرده و صفحه کبود آسمان را از تیرگی و ظلمت مستخلص گردانید و عالم را به نور خود جلوه داده هرکس به دنبال مشاغلی می رود و اراده هرنفس و ذینفس او را تحریک می کند که بدنبال رزق وکسب معاش و منافع اقتصادی

بدود. وقت درو کشت و جمع آوری محصول است مردم زحمتکش هر یک با وسایلی منزل را ترک کرده راه صحرا را درپیش گرفته و با امید راحتی در زمستان زحمات فوق العاده و گرمای تابستان را تحمل می کنند. نیروی امید است که ساختمان وجود همه را به جنبش درآورده است از طرف دیگر دامها قسمتی برابر دهکده را فراگرفته اند و قسمتی دیگر به سبب مرض طبق در میان باغچه ها ویونجه که امسال با وجود فراوانی و وفور آب خشکیده اند کفش ها را از پا درآورده و زانو تعظیم را به درگاه خداوند حکیم خم کرده و به ناله و فریاد که نمی دانم چه می گویند اشتغال دارند.(خ-ش-ا-و) و (ب-خ-ن-ذ) برای جوب رفته اند که دست و رو بشویند از طرف دیگر (ن-ز-ا-ن) در خوابگاه خود می گرید(ض-ف-ز-ب) گریبان را گرفته که به (س-و-ت-ز) سر بزنم من هم تعلل می کنم او نمی شنود و نمی گذارد مطالب خود را بخوبی تحریر کنم(ص-ز-ت-ث)مشغول زدن(ن-ص-ل) می باشد اینها همه بجای خود مقدمات نوشته حقیر سراپا تقصیر است و اما گرفتاریهای دیگر که خودبخود روحم بعذاب الیم معذب است و در آتش عذاب در سوز و گدازم تمام اشیاء مادی و صوری در نظرم مجسم است و هرچند فکر می کنم نمی دانم چه گرفتاری است، چه بلای است چه بدبختی است چه دردی است که درمان ندارد و چه آتش خرمن سوزی که که خرمن عمر مرا دستخوش حریق قرار داده در خواب و بیداری در فراغت و مشغلت در صحت و سقم درستی و علنی در خلوت و در ملا معذب هستم عجب از عمری که خدا به من عطا کرده هرلحظه اش دردی و هر ساعتش مرگی است. کوتاه نظران بر خلاف آن قضاوت کرده و مبادرت به صدور رای نموده اند.

جملاتی زیبا از سرآغاز دفتر خاطرات استاد ربیعی

سال ۱۳۵۲ و فرمان رایگان شدن بهداشت در سال ۱۳۵۲

ستایش و ثنای خداوند یکتای مهربان را سزاوار است که به مقتضای حکمت بالغه خود همه اشیاء را آفریده و با آوردن سال نو ورقی دیگر را به صفحات عمر زودگذر ما افزایید . در این لحظه که چند ساعتی بیش به تحویل سال ۵۲ به ۵۳ باقی نمانده فرمانی دایر بر(رایگان بودن بهداشت در سراسر کشور)قرائت شد و از رادیو کرمانشاه برنامه مخصوص اینجانب که مصدر به تبریک سال جدید است منتشر می شود و ما افراد خانواده ربیعی در کرمانشاه در طبقه دوم پلاک ۲۰ خیابان بهار دور هم جمع شده ایم وبرنامه سوال و جواب از رادیو گوش می کنیم از شهادت حق و تفسیر آیه ۱۳۵ سوره نساء بحث میکنم

آخرین نوشته استاد ربیعی در دفتر خاطراتش

در تاریخ ۷۵/۱/۱ شمسی

به امید خدا و به میمنت و مبارکی سال ۱۳۷۵ شمسی را در ساعت یازده و نیم روز چهارشنبه آغاز کردیم من و نامزد و اسماء دختر کوچولو یازده ماهه مان در خانه شخص خود در کرمانشاه در اتاق جنوبی نشسته و با یاد و مدد خداوند کدورت های ایام گذشته را با آخرین لحظات سال گذشته بدرقه

کردیم و خدای را شکر که در سال جاری فرزند زیبا داریم . حسین و احمد با افراد خانوادهشان به سنندج رفته اند و یکدانه ماهی قرمز برای اسماء خریده ام.

منبع: زندگینامه قاری مخلص ، نایب قاری جهان،استاد علامه دانشمند مفتی محمد ربیعی / مولف: عبدالسلام حقگویی انتشارات: باغ ابریشم چاپ اول ۱۳۸۲

دین اسلام معیار درست زندگی است و میزان عدالت اجتماعی

اسلام با اصول و موازین و برنامه های پیشرو و متعالی خود خلق را به تعلیم و تعلم و صنعت و آبادی و آزادی تشویق می کند و کار را سرچشمه سعادت می داند و در عین حال از مردم می - خواهد که راست و درست و پاک و پرهیزگار باشند ، چنین برنامه هایی اساس هرگونه پیشرفت و تعالی است نه به گفته دشمنان حق و عدالت افیون جامعه !

زیرا افیون مردم را به خمودگی و بیکاری و جهل می کشاند اما اسلام خلق را به دانش و صنعت و اراده و کار دعوت می نماید و از بدبختی می رهاند و آنکه دارای عمل صالح نیست از دیدگاه اسلام پشیزی نمی ارزد .

اسلام سرآغازش دستور به خواندن و نوشتن و دانستنِ ندانستیمها و استدلالش علمی و خواسته اش پیشرفت به سوی نامتناهی است خاری است در چشم تن پروران زالو صفت و استثمارگران سراپا مَنْقَصَتْ خلیده است ، اسلام دین طبیعت است اما طبیعتی سالم نه افراطیِ بوالهوس که اشباع نمی شود نه تفریطی در قفس که اقناع نمی گردد و دنیا را منحصر به پیله ی خود می داند آنانکه خود را نمی فریبند و براستی خواهان حق و حقیقت اند بیایند در مکتب سراسر سعادت الهی جویا و پویای آزادی و سرافرازی و آبادی باشند در اینجا نه مال به یغما می رود و نه حیات استثمار می گردد ، در اسلام عرق کارگر خشک نشده حقش پرداخت می گردد به صورت عرق به بطری استثمارگران نمی ریزد نه اکثریت سرمایه دار زالو می شوند نه اقلیت استثمارگر آزادی را در بند می کشند ، هیچکس بنده هیچ کس نیست همه بنده خدای آفریدگار مهربان هستند که زمین را سفره ی رزق همگان قرار داده هیچ کس جز دسترنج خود چیزی نمی برد

« لَیْسَ لِلْاِنْسانِ اِلّا ما سَعی » هر کس خدمتش به خلق خدا بیشتر و ارزنده تر است گرامی تر است ، رنگ و نژاد و زبان و ... مفهومی ندارد همگی یکسانند و خود را برابر می دانند . (نجم : ۳۹)
اگر طالب سعادت دنیا و آخرتند بیایند اسلام را بفهمند غرض ورزی ، نکنند و با دیده ی انصاف بنگرند نه اینکه ناخوانده و ناشناخته و بدون مطالعه و تعمق بساحت مقدس اسلام اِسائَهِ ادب نمایند.

-متن گرفته شده از کتاب گرانبهای آینه اسلام- محمد ربیعی

ادامه دارد...



کرد خبر: کاک حسن امینی حاکم شرع مردمی کردستان" در پی تماس تلفنی پنجشنبه ۸ تیر ماه سال جاری از سوی دادگاه ویژه ی روحانیت همدان، به این دادگاه احضار شد.

به گفته برخی از نزدیکان این فعال اهل سنت کرد با توجه به این که "کاک حسن امینی" مدیر مدرسه ی امام بخاری سنندج است و پیشتر مقامات امنیتی "ماموستا عبدالکریم آذرین" در پیرانشهر و "ماموستا محمد خضر نژاد" را در بوکان به اتهام دایر کردن مدرسه علوم دینی محکوم و بازداشت کرده اند؛ بیم آن را دارند که مدرسه را با مشکلات جدی مواجه کنند.

کردخبر: رئیس شورای هیئات مذهبی استان کردستان از فعالیت ۶۱۰ هیئت مذهبی ترویج تشیع در استان کردستان خبرداد و گفت: امسال تعداد ۵۰ هیئت دیگر نیز افزایش می یابد. فعالیت هیئات های شیعه مذهب در استان کردستان در گذشته و حال، در حالی صورت می گیرد که مذهب غالب در این استان اهل سنت بوده، و وجود چنین تشکل هایی در این مناطق به غیر از دامن زدن به اختلافات و جنگ های مذهبی چیزی را برای کردستان به ارمغان نیاورده است در مقابل با تبعیض و اعمال فشار بر فعالان و علمای اهل سنت کرد میانه رو در کردستان و آزادی گروه های افراط گرا در منطقه عرصه را هر چه بیشتر بر آنها تنگ کرده است.

کرد خبر: ماموستا علی ایوبی توسط نیروهای امنیتی وابسته به وزارت اطلاعات مستقر در شهرستان ارومیه بازداشت شد. یک منبع مطلع نزدیک به خانواده‌ی ملا علی ایوبی که نخواست نامش فاش شود، در این رابطه گفت: «او در هنگام بازداشت مورد ضرب و شتم قرار گرفته و اتهام او عضویت در گروههای سلفی عنوان شده است.

کرد خبر: علیرغم اتمام مدت زمان حبس ۶ ماهه، از آزادی "ماموستا رضا عبدی" از زندان تبریز خودداری می‌شود. چند روحانی دیگر هم در شهرهای مختلف تحت فشار و در بازداشت به سر میبرند. تاریخ ۱ تیرماه سال ۱۳۹۶ خورشیدی، مدت زمان حبس ملا رضا عبدی روحانی محبوس در زندان تبریز به پایان رسید اما با کارشکنی دستگاه قضایی، وی همچنان در زندان به سر میبرد.

کرد خبر: نیروهای امنیتی سپاه پاسداران با همکاری وزارت اطلاعات در استان کرمانشاه با یورش به شهرهای سرپل ذهاب، قصرشیرین، دالاهو و حومه اقدام به تفتیش منازل و بازداشت شماری از شهروندان اهل سنت در این مناطق کرده است.

کمپین فعالین بلوچ: عبدالرحیم درزاده دونده اهل سنت بمپوری از استان سیستان و بلوچستان در مسابقات جهانی دانش آموزان در کشور فرانسه موفق به کسب مدال



برنز شد. وی در اردوی آمادگی تیم منتخب آموزشگاه‌های کشور به تهران اعزام شد و سپس همرا با تیم دانش آموزان کشور در رقابت های دومیدانی دانش آموزان جهان در فرانسه شرکت کرد. مدیر کل ورزش و جوانان استان گفت: این دونده استان با کسب مدال برنز این مسابقات رکورد یک دقیقه و ۵۳ ثانیه آسیا را نیز بدست آورد.

کردپرس: ظهر روز سه شنبه (۲۰ تیرماه) دکتر صلاح الدین خدیو» روزنامه نگار و فعال مهابادی بعد از هفت روز بازداشت از زندان آزاد شد. «عبدالعزیز مولودی» از دوستان نزدیک خدیو در کانال رسمی خود اعلام کرد که وی با وثیقه ی ۳۰۰ میلیونی آزاد شد. در همین ارتباط کانال رسمی جلال محمودزاده نماینده مهاباد اعلام کرد که با پیگیریهای نمایندگان مجلس دکتر خدیو آزاد شده است.

کردپا: روز یکشنبه هجدهم تیرماه، مأموران انتظامی خودروی شخصی یک شهروند کرد اهل کامیاران در اطراف فرودگاه کرمانشاه را به رگبار بستند و در نتیجه وی جان خود را از دست داد. هویت این شهروند کُرد «جمال رحمانی» ۲۲ ساله اهل روستای «لون سادات» از توابع کامیاران اعلام شده است.

کمپین فعالین بلوچ: محمد صابر ملک رئیسی زندانی سیاسی بلوچ که هشتمین سال حکم زندان خود را سپری می کند، بیستم تیرماه سال جاری، پس از سه ماه نگهداری غیرمنتظره در بند ۲۰۹ زندان اوین به زندان اردبیل، محل سابق نگهداری خود بازگردانده شد. انتقال غیرمنتظره او به بند ۲۰۹ و اعمال محدودیت های ارتباطی در طی سه ماه گذشته مایه نگرانی خانواده و نزدیکان او شده بود.

کمپین فعالین بلوچ: مولوی براهوی که از اتهامات پیشین تبرئه شده بود با پرونده سازی جدید وزارت اطلاعات محاکمه و بازداشت شد. مولوی براهوی پیش از این بهمن ماه سال گذشته (۹۵) به اتهام فعالیت های مذهبی بازداشت شده بود وی ابتدا به مدت ۱۵ روز در بازداشت وزارت اطلاعات تحت فشار و تهدید بوده و پس از آن به بند ۶ زندان مرکزی زاهدان و از آن پس به بند ۸ منتقل شده بود.

کمپین فعالین بلوچ: بیش از ده روز از بازداشت محمد صالح شهدادزهی فعال مذهبی بلوچ اهل کوه ون شهرستان سرباز خانواده وی با وجود "پیگیری های مکرر" از ارگان های مختلف اما همچنان از وضعیت و محل نگهداری وی بیخبر هستند. آقای شهدادزهی روز جمعه ۱۶ تیر ماه پس از نماز جمعه در مقابل درب مسجد نور ایرانشهر توسط ماموران امنیتی لباس شخصی بازداشت و به محل نامعلومی منتقل شد.



نحوه ارسال مقالات به نشریه

خوانندگان گرامی می توانند مقالات خود را با دارا بودن مشخصات ذیل برای ما ارسال دارند:

۱ – مقالات ارسالی نباید پیش از این در جایی منتشر یا ارائه شده باشد.

۲– مقالات باید تحقیق نگارنده و از جایی کپی برداری نشده باشد.

۳– مقالات باید روان و کاربردی و مناسب با جامعه اهل سنت ایران تهیه شده باشد.

۴– مقالات حداقل در ۴ و حداکثر ۶ صفحه A4 در محیط ورد نگاشته شود.

۵– در صورت استناد به مرجعی، در پانویس مشخصات کامل مرجع نوشته شود. نام کتاب، نویسنده، مترجم، محل چاپ، سال چاپ، انتشارات، جلد و صفحه.

۶– مقالات باید دارای محتوای مناسب و مشخصات نگارنده باشد. (برای افراد داخل ایران نام مستعار پذیرفته می شود در صورتی که نام اصلی خود را به مجله بیان دارند.)

۷– بهتر است مقاله با فونت B Nazanin سایز ۱۴ نوشته شود. چون اساس فونت مقالات نشریه است.

۸– هیچ گونه توهینی به اشخاص و مذاهب دینی اهل سنت در مقاله صورت نگیرد.

۹– خوانندگان عزیز می توانند مقالات خود را تا بیستم هر ماه به ایمیل نشریه ارسال نمایند.

ماهنامه ی راوی حق ویرایش و تلخیص مطالب را برای خود محفوظ می دارد.

مقالات دریافتی بعد از تایید اعضای هیئت تحریریه و نقد و بررسی در ماهنامه منتشر خواهد شد.

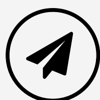
ارتباط عاطفی

من درد مشترکم
مرا فریاد کن
ای دیر یافته با تو سخن می گویم
بسان ابر که با توفان
بسان علف که با صحرا
بسان باران که با دریا
بسان پرنده که با بهار
بسان درخت که با جنگل سخن می گوید
زیرا که من
ریشه های تو را دریافته ام
زیرا که صدای من
با صدای تو آشناست ...

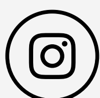
نشریه ی راوی می خواهد تا روایت گر درد تمامی شما باشد.

خوانندگان عزیز و علاقه مندان، صفحات سپید نشریه ی راوی چشم انتظار ارسال دل نوشته ها، خاطرات کوتاه تلخ و شیرین و یا هرگونه مطلب دیگر از شما هست. پیشاپیش دستان گرمتان را می فشاریم.

راه های ارتباط با ما:


کانال تلگرام راوی: ravi_mag


صفحه فیس بوک راوی: www.facebook.com/ravi.magz


صفحه اینستاگرام راوی: www.instagram.com/ravi.mag


آدرس ایمیل راوی: ravi.mag@hotmail.com

تصویر جلد:

مسجد

جامع فهرج مربوط به صدر اسلام

و در شهرستان یزد، بخش مرکزی ـ روستای فهرج

واقع شده است. ساخت مسجد جامع فهرج به نیمه اول

قرن اول هجری برمی گردد. این مسجد، تنها مسجدی در

جهان اسلام با قدمت زیاد است که ساختمان آن از ابتدا تا کنون

تغییری نکرده‌است. منار گلی نه چندان بلند مسجد در قرن

سوم به بنای اصلی اضافه شده، که در عین حال راه

دسترسی به پشت بام نیز می‌باشد.